یادداشت روز

اعتماد یا ایجاد باور ؟

«اعتمادسازی» یک مفهوم بینابینی و دوجانبه است و معمولا در مواردی به کار می‌رود که پیش بردن یک هدف به همکاری طرف یا طرف‌های دیگر نیاز دارد و این موضوعی است که در همه سطوح مراودات اجتماعی- اعم از مراوده یک شخص با شخص دیگر، یک گروه با گروه دیگر، یک جامعه با جامعه دیگر و یک کشور با کشور و کشورهای دیگر- مطرح می‌باشد.

اعتمادسازی را بطور کلی می‌توانیم در مواجهه با دو وضعیت ترسیم کنیم؛ وضعیتی که ما با «فرد یا جامعه همراه» سر و کار داریم و وضعیتی که ما با «فرد یا جامعه مخالف» روبرو هستیم مسلما اصول، روش و فعالیت ما در هر کدام از این دو باید با هم متفاوت باشد و جابه‌جا استفاده کردن از اصول و روش‌ها نه تنها منطقی نیست که قطعا به نتیجه هم نمی‌رسد.

خداوند متعال می‌فرماید: «محمد رسول خدا-ص- و کسانی که با او هستند نسبت به کفار شدید و نسبت به مؤمنان رحیمند». کاملا واضح است که قرآن به همان اندازه که مومنان را به اعتماد به یکدیگر توصیه می‌کند به همان اندازه از اعتماد به کفار پرهیز داده و در آیاتی آن را موکول به شرایط خاصی کرده است.

در اینجا یک سؤال هم مطرح است: آیا لازمه مراوده با کفار جلب اعتماد آنان است یا خیر؟ در نگاه اولیه اعتماد مقدمه جلب همکاری است ولی با یک نگاه عمیق‌تر و عینی‌تر درمی‌یابیم که رابطه منطقی و قطعی میان مراوده و اعتماد وجود ندارد. در دوره نظام دو قطبی مراودات فراوان و گسترده‌ای حتی در مسایل حساس میان آمریکا و شوروی وجود داشت بدون آنکه ذره‌ای اعتماد میان آنان نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد. مراودات معمولا بر پایه «منافع» تعریف می‌شود نه اعتماد به یکدیگر. البته این در مورد «روابط راهبردی» مصداق ندارد. روابط راهبردی به آن دسته از رابطه دو کشور اطلاق می‌شود که دو طرف در دفاع از طرف دیگر در مواجهه با طرف سوم متعهد شوند و مثلا هجوم به خاک یکی از دو کشور به مثابه هجوم به خاک هر دو کشور تلقی شود. در روابط راهبردی، اعتماد مهمترین عنصر به حساب می‌آید اما در موارد دیگر اساسا بحث از اعتماد کردن جایگاهی ندارد.

اعتمادسازی در عرف بین‌الملل به معنای پذیرش حرکت در یک چارچوب توافق شده یا مورد نظر طرف مقابل می‌باشد. در واقع کسی که می‌گوید من درصدد اعتمادسازی هستم می‌گوید من در حال حرکت به سمت چارچوب و قواعدی هستم که طرف مقابل آن چارچوب و قواعد را قبول دارد از این‌رو تیم جدید مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران می‌گوید در قبال حرکت ما به سمت اعتمادسازی، حریف ما یعنی غرب به سرکردگی آمریکا باید حق غنی‌سازی ایران را بپذیرد. اما این برخلاف ظاهر شیک آن، نوعی تناقض‌گویی است چرا که حرکت در چارچوب و قواعد مورد قبول آنان و بیرون از معاهده NPT، در واقع پذیرش دست کشیدن ایران از حق هسته‌ای (غنی‌سازی و غیر غنی‌سازی) است؛ چرا؟ برای اینکه وقتی تیم هسته‌ای ما از حق کشور خود در غنی‌سازی مطابق با استاندارد آژانس بین‌المللی هسته‌ای (Npt) حرف می‌زنند طرف مقابل از یک قاعده حقوقی برتر حرف زده و پاسخ می‌دهد این «حق مسلم» بوسیله قطعنامه‌های شورای امنیت- از جمله قطعنامه ۱۷۳۷- از شما سلب شده و کشور شما از آن مستثنی شده است. شما برای اینکه بار دیگر از آن حقوق بهره‌مند شوید باید تعهدات و الزامات خود در قطعنامه‌ها را عمل کنید و پس از خروج از شورای امنیت درباره این حق، با آژانس وارد مذاکره شوید.

اگر طرف مقابل کماکان بر این دیدگاه اصرار داشته باشد، «اعتمادسازی» به این معنا نیست که شما تلاش کنید تا درستی حرکت خود را در چارچوب قوانین موضوعه و فنی بین‌المللی به اثبات برسانید تا آنگاه بحث نصب دوربین‌ها و بازرسی‌های سرزده (به فرض که پذیرش این دو با منافع و امنیت ملی سازگار باشد!) موضوعیت پیدا کند. حریف به شما می‌گوید اول اجرای قطعنامه‌ها، پس از آن کاهش تدریجی تحریم‌ها در قبال اعطای حقوقی نظیر بازرسی سرزده، کنترل تسلیحات موشکی و... و... به عبارت دیگر در این روند شما حتی با پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت نمی‌توانید اعتماد موردنظر حریف را جلب کنید اگر چه آنها از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای کشورمان مطمئن هستند و چالش هسته‌ای را بهانه‌ای برای تحریم‌ها می‌دانند.

در مواجهه با محیط بین‌المللی، بخصوص آنگاه که با دشمنان مواجه هستیم نمی‌توانیم با مبنای اعتمادسازی شروع به کار کنیم چرا که از یک سو با این مبنا ما می‌پذیریم که رفتار و عملمان در گذشته به گونه‌ای بوده که نگرانی‌هایی را برای طرف مقابل پدید آورده و به این مناقشه چندین ساله منجر شده است یعنی در همین قدم اول زیر یک صورت حساب بدهکاری امضا می‌کنیم و اجازه می‌دهیم حریف در بالای امضای ما هرچه را که خواست بنویسد و آنگاه بگوید بسیار خوب حالا به این- مثلا- ۱۰۰ مورد یکی‌یکی پاسخ بدهید و طرف هم اجازه داشته باشد بعد از هر مورد بگوید قبول دارم یا قبول ندارم.

باید در دشمن به جای اعتماد، باور ایجاد کرد. باور به اینکه شما توانایی دارید علیرغم همه این مخالفت‌ها و جبهه‌گیری‌ها راه خود را ادامه دهید. دشمن باید باور کند که تأثیر فشارهایش و توانایی اعمال فشارهایش در حدی نیست که طرف مقابل را وادار به تسلیم نماید واقعیت هم این است که توانایی ملت ایران برای خنثی کردن فشار دشمن بسیار زیاد است و توانایی دشمن در اعمال اراده‌اش بر ملت ایران زیاد نیست. شاخص‌های اقتصادی دنیا، ایران را در ردیف ۱۷ قرار داده است یعنی ما هفدهمین کشور از نظر توانایی تولید ناخالص داخلی (GDP) هستیم. بسیاری از مسئولان و متخصصان اقتصادی کشور از جمله وزیر اقتصاد کشور می‌گویند به راحتی می‌توان ایران را با ۳۵ میلیارد دلار اداره کرد و نیازی به ۱۲۰ میلیارد دلار کنونی ندارد. این ۳۵ میلیارد دلار به راحتی از طریق دو سه کشور همسایه که رابطه نسبتا راهبردی با ایران دارند قابل تأمین است. این را باید با زبان آمار برای دشمن تشریح کرد تا بداند فشار اقتصادی به ایران، راه‌حل نیست اما متأسفانه شاهدیم که همان کسانی که در مواجهه با دشمن قایل به اعتمادسازی هستند همان‌ها در تریبون‌ها اعلام می‌کنند که خزانه کشور خالی است و میلیاردها دلار و ریال بدهی روی دست دولت جدید است! این در حالی است که همین الان حقوق میلیونها کارمند و... پرداخته می‌شود، حمل و نقل دریایی، جاده‌ای، ریلی و هوایی کشور کاملا فعال است، از همه ظرفیت‌های آموزشی و بهداشتی استفاده می‌شود، واحدهای درمانی و دارویی کشور در مقیاس قابل‌قبولی فعالند، ساخت و سازها امورات مرتبط با خوراک و پوشاک و مسکن به خوبی جریان دارد اگر دولت با اعتقاد به اینکه کشور غنی است و سرمایه‌های فراوانی در دسترس دارد، وارد میدان شود، اشکالات محدود کنونی که در کشورهای دیگر فراوان‌تر از آن‌ها وجود دارد، به سرعت و به خوبی حل و فصل می‌شوند.

اعتمادسازی در اختیار ما نیست چرا که طرف مقابل باید آن را بپذیرد، اعتقادات دینی و تجربه ما و خوی استکباری قدرت‌های سلطه‌گر به ما می‌گویند هیچگاه این اعتماد جلب نمی‌شود مگر اینکه ملت ما- العیاذ بالله- به ملت مرده‌ای تبدیل شود ولی حرکت ایران روی خط قدرت و اقتدار که با اعتماد به توانایی ملت ایران تلازم دارد، قطعا به نتیجه می‌رسد. دولتمردان ما شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی را مرور کنند تا بدانند ایران از مرز «قدرت منطقه‌ای» عبور کرده و به مرز قدرت بین‌المللی نزدیک شده است. دولتمردان ما در سفر به کشورهای منطقه از هند تا مراکش، مجالی هم برای دیدار با ملت‌ها در نظر بگیرند تا دریابند ایران در اوج تاریخی محبوبیت خود و غرب در پایین‌ترین سطح پذیرش ملت‌ها قرار دارند در عرف بین‌الملل این یکی از مهمترین مؤلفه‌های «قدرت پایدار» است. دولتمردان ما حرکت اقتصادی ایران را با حرکت اقتصادی هر یک از کشورهای اروپایی مقایسه کنند تا دریابند که امروز رشد هیچ کشور اقتصادی اروپا به اندازه رشد کشور ما نیست. دولتمردان نباید بخاطر رقابت با یک گروه داخلی، حقایق کشور را جابجا کرده و احساس ضعف خود را «ملی» معرفی نمایند.

سعدالله زارعی

بلومبرگ ادعا کرد

آمادگی دولت اوباما برای آزاد کردن بخشی از دارایی‌های مسدود شده ایران

همزمان با مذاکرات ژنو میان ایران و گروه ۱+۵، یک خبرگزاری آمریکایی گزارش داد دولت اوباما به دنبال آن است که به جای رفع تحریم‌ها به ایران اجازه دسترسی به بخشی از دارایی‌های مسدود شده در بانک‌های خارجی را بدهد.

دولت اوباما در حال بررسی طرحی است که بدون برداشتن تحریم‌ها به ایران در قبال توافق احتمالی هسته‌ای امتیاز بدهد.

یکی از مشکلاتی که در محافل داخل رسانه‌ای و سیاسی آمریکا بارها به آن اشاره شده، این است که آن‌ها در چه مقطعی از توافق با ایران باید با کاهش تحریم‌ها به گام‌های عملی ایران پاسخ دهند؟ و اگر ایران گام‌های لازم برای رفع آنچه غربی‌ها به آن نگرانی‌ها از برنامه هسته‌ای ایران می‌گویند، بردارد، آمریکا در برابر این گام‌های ایران باید چگونه عمل کند؟

یک نگرانی که بارها از آمریکایی‌ها شنیده شده این است که اگر تنها یک آجر از دیوار تحریم‌های ضدایرانی برداشته شوند کل آنچه طی این سال‌ها ساخته شده فرو می‌ریزد، زیرا برداشت بسیاری از کشورها و کمپانی‌ها این را به عنوان نشانه‌ای خواهند دید که بحران به پایان رسیده و آن‌ها مجاز به تبادل و تجارت با ایران هستند.

با این حال، اگر آمریکا به گام‌های عملی ایران بدون رفع تحریم‌ها پاسخ دهد ایران نیازی به توافق بر سر برنامه هسته‌ای خود نخواهد دید.

این باعث شده برخی در دولت اوباما راه دیگری را انتخاب کنند که رفع فشارهای مالی از ایران، بدون برداشتن تحریم‌ها است.

طبق گزارش بلومبرگ، ۵۰ میلیارد دلار از پول ایران در بانکهای سرتاسر جهان مسدود شده‌اند که این اقدام به خاطر تلاش‌های کاخ سفید و وزارت خزانه‌داری آمریکا است.

چند مقام دولتی آمریکا به جفری گلدبرگ، خبرنگار بلومبرگ گفته‌اند که مذاکره‌کننده‌های ایرانی که در حال حاضر در ژنو هستند آماده‌اند به ایران پیشنهاد دسترسی به دست‌کم بخشی از این پول را در ازای دریافت امتیازاتی از برنامه هسته‌ای ایران بدهند.

در واقع، دولت اوباما قصد دارد پاداش امتیازگیری احتمالی از برنامه هسته‌ای ایران را با پول خود ایران بدهد. طبق نوشته گلدبرگ، این ایده برای اولین بار از زبان مارک دابوویتز، یکی از کارشناسان تحریم‌های ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی - از اندیشکده‌های تندرو آمریکایی - بیرون آمده است. دابوویتز که مدیر اجرایی این اندیشکده تندرو هم هست اولین بار این ایده را در یک محفل خصوصی در هفته گذشته پیشنهاد داده بود؛ از آن زمان به بعد، این ایده به وزارت خارجه، وزارت خزانه‌داری و کاخ سفید نفوذ کرده است.

به گزارش فارس، وی در یک ایمیل شخصی به گلدبرگ توضیح داده که دولت آمریکا چگونه می‌تواند از این ایده استفاده کند: «در صورتی که ایران با کشورهای غربی به توافق برسد، می‌تواند از ۵۰ میلیارد دلاری استفاده کند که در حال حاضر برای ایران تقریباً غیر قابل دسترس هستند و این کشور تنها در کشورهای چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. به جای محدود کردن ایران به این کشورها که در آن‌ها نمی‌تواند به اندازه کافی کالاهای غیر قابل تحریم پیدا کند تا نیمی از ۳/۴ میلیارد دلار درآمد ماهانه نفتی‌اش را خرج کند، می‌توان ارزهای این کشور را، متناسب با توافق‌های هسته‌ای آزاد کرد.»

نیویورک تایمز:

برنامه هسته‌ای ایران را دیگر نمی‌توان به عقب بازگرداند

یک روزنامه آمریکایی با اشاره به پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر نوشت: برنامه هسته‌ای ایران را دیگر نمی‌توان به عقب برگرداند.

روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در گزارشی دستاوردهای ایران در زمینه فناوری را از جمله چالش‌های غرب در گفت‌وگوهای هسته‌ای کشورهای ۱+۵ با ایران عنوان کرد.

این روزنامه آمریکایی می‌نویسد: انتظار می‌رود در مذاکرات هسته‌ای در ژنو که قرار است از روز سه‌شنبه آغاز شود ایران پیشنهاداتی ارائه دهد که یک سال پیش برای غرب امتیاز عمده‌ای به شمار می‌رفت، اما توانمندی‌های هسته‌ای ایران از آن زمان چنان پیشرفت کرده‌اند که کارشناسان می‌گویند حتی پیشنهادات برای اطمینان خاطر به غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران کافی نیستند.

این گزارش در ادامه به نقاط قوت و ضعف هر یک از دو طرف حاضر در مذاکرات ژنو اشاره کرده و می‌نویسد: «ایران در حالی گام به این مذاکرات گذاشته که برنامه هسته‌ای دارد که نمی‌توان آن را به آسانی به عقب برگرداند و طرف غربی هم تحریم‌هایی تحمیل کرده که اقتصاد ایران را فلج کرده است.»

به نوشته این روزنامه آمریکایی اگر قرار باشد ایران به حقش برای غنی‌سازی اورانیوم اصرار کند که همواره چنین کرده است، طرف غربی مطمئنا خواستار انجام بازرسی‌های شدیدتر خواهد شد.

به گزارش فارس، نیویورک تایمز نوشت: «در سال ۲۰۰۳، وقتی ایران اولین توافق هسته‌ای با غرب را آغاز کرد، مجموعه‌ای نسبی از سانتریفیوژهایی داشت که تقریبا غیرپیشرفته بودند. امروز ایران، دست کم ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ دارد که ۱۰۰۰ عدد از آنها طراحی بسیار پیشرفته‌ای دارند که البته هنوز از آنها برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده نمی‌شود.»

سخنگوی وزارت کشور:

احزاب منحل شده با عنوان و مرامنامه قبلی نمی‌توانند فعالیت کنند

سخنگوی وزارت کشور تاکید کرد: اگر حکم انحلال حزبی از مرجع اداری یا قضایی قطعی شود آن حزب با مرامنامه و عنوان قبلی نمی‌تواند مجدداً تشکیل شود.

حسینعلی امیری قائم‌مقام و سخنگوی وزارت کشور گفت: از زمان آغاز به کار دولت، ۱۳ تقاضای تشکیل حزب به وزارت کشور ارسال شده که این درخواست‌ها در بخش‌های کارشناسی وزارت کشور در حال بررسی است و بعد از استعلام از مراجع ذی‌ربط برای تصمیم‌گیری نهایی به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ارسال می‌شود.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا درخواستی برای صدور مجوز فعالیت مجدد احزاب منحل شده در دولت‌های نهم و دهم به وزارت کشور ارسال شده است، افزود: انحلال احزاب از دو مسیر مرجع اداری یا مرجع قضایی انجام می‌شود؛ اگر حزبی از طریق مراجع اداری منحل شود، اعضای آن حزب می‌توانند در صورت اعتراض به دیوان عدالت اداری شکایت کنند.

امیری تصریح کرد: اگر حزبی از طریق مرجع قضایی منحل شود، باید از پروسه دادرسی دادگاه‌های دادگستری کار خود را دنبال کند و ممکن است کار تا دیوان عالی کشور نیز پیش برود و حتی اگر حکمی خلاف شرع باشد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند نسبت به آن اظهار نظر کند.

وی به تسنیم گفت: اگر حکم انحلال حزبی از این دو مرجع قطعی شود، آن حزب با مرامنامه و عنوان قبلی نمی‌تواند مجددا تشکیل شود و اگر اعضای آن حزب بخواهند مجدداً در حزبی فعالیت کنند، باید با مرامنامه و عنوان جدید شروع به فعالیت کنند.

خبر ویژه

سی‌ان‌ان: وعده نسیه در مقابل امتیاز نقد دیگر جواب نمی‌دهد

دهمین دور مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ روز گذشته در ژنو به پایان رسید و قرار است ادامه این مذاکرات سه هفته دیگر انجام شود.

هرچند طرف ایرانی اعلام کرده مایل است پیشنهادها محرمانه بماند اما طرف مقابل به‌گونه‌ای متناقض سخن می‌گوید و اصطلاحاً با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد تا به زعم خود ضمن اینکه بتواند بیشترین امتیاز را به دست آورد، ژست طلبکاری خود را حفظ کند. هر چند خبر دقیقی از محتوای پیشنهادها و مذاکرات منتشر نشده اما به نظر می‌رسد غرب همچنان حاضر نیست در ازای اقدامات اعتمادساز ایران، به روشنی اصل حق غنی‌سازی را امضا کند هر چند که فعلاً به بازی پلکانی دست زده و کسب برخی امتیازهای نقد را در اولویت قرار داده است.

در این میان طرف ایرانی معتقد است مباحثی نظیر اجرای مجدد پروتکل الحاقی، باید در آخر مذاکرات و نه در آغاز مورد بحث قرار گیرد. ایران حد فاصل سال‌های ۲۰۰۳ پروتکل الحاقی را به صورت داوطلبانه به اجرا گذاشت اما با نقض تعهدات از سوی غرب، اجرای این مسیر متوقف شد. بازرسی‌های سرزده و گسترده‌تر، از مفاد پروتکل الحاقی است. تصویب پروتکل، از اصل بحث‌های اعتقادی مجلس شورای اسلامی است.

بنا بر برخی گزارش‌ها وزیر امور خارجه کشورمان مایل است زمان‌بندی یک ساله را برای حل مسئله ابهامات موجود مورد تصویب طرفین قرار دهد اما طرف غربی مایل است به جای ترسیم افق و نهایت مذاکرات، مبادله برخی امتیازهای نقد- مانند غنی‌سازی ۲۰ درصد و فعالیت تاسیسات فردو- را در ازای وعده‌های نسیه و مبهم را مانند گذشته به دستور اصلی تبدیل کند و به همین دلیل حاضر نیست بر حقوق مسلم ایران به‌عنوان کف مذاکرات صحه بگذارد.

[به گزارش ایرنا به نقل از دیپلمات] در این دور از گفت‌وگوها درباره سطح و میزان غنی‌سازی و همچنین اجرای پروتکل الحاقی بحث شده است. با این حال موضوع «اصل غنی‌سازی» در خبرها مسکوت مانده است. خبرگزاری ریانووستی در گزارشی نوشت «ایران به بررسی امکان تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصد در صورت لغو تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اروپا آماده است» و آسوشیتدپرس مدعی شد «پیشنهاد هیئت ایرانی در مذاکرات، کاهش سطح غنی‌سازی بوده است» سیدعباس عراقچی معاون وزیر خارجه گفته است سخنان سخنگوی اشتون درباره اینکه ایران باید گام اول را بردارد، ناامیدکننده است. عراقچی همچنین می‌گوید «ما در طرف مقابل تغییر لحن را به سمت مثبت دیده‌ایم اما هنوز تغییر رویکرد را ندیده‌ایم.»

در همین حال موضع ۱۰ سناتور پر نفوذ کنگره آمریکا مزید بر علت شده و به این گمانه قوت بخشیده که مراکز تصمیم‌گیر در آمریکا دنبال تعطیلی اصل غنی‌سازی هستند. به گزارش رویتر ۱۰ سناتور طرح «تعلیق در برابر تعلیق» را مطرح کرده‌اند که بر مبنای آن ایران باید برنامه غنی سازی اورانیوم خود را کاملاً به حالت تعلیق درآورد و آمریکا نیز اجرای دور جدید تحریم‌ها را لغو کند!! یعنی در واقع سخن از تحریم‌های موجود در میان نیست.

در این نامه تاکید شده است که اگر چه مذاکرات در جریان است اما گزینه نظامی هنوز روی میز است؛ سناتورها همچنین از اوباما خواستند که با استفاده از تحریم‌های موجود ایران را بیشتر تحت فشار قرار دهد.

این نامه به امضای ۶ سناتور دموکرات و چهار سناتور جمهوری‌خواه رسیده است که از جمله آنها می‌توان به سناتور رابرت منندز، رئیس کمیته روابط خارجی سنا، چارلز شومر، سناتور ارشد دموکرات، سناتور جان مک‌کین، و سناتور لیندسی گراهام جمهوری‌خواه اشاره کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی، «طرح تعلیق در برابر تعلیق بسیار نزدیک به موضع اسرائیل است که می‌گوید ایران نباید حق غنی‌سازی داشته باشد.»

موضوع قابل توجه دیگر تغییر ادبیات محافل غربی پس از دریافت نشانه‌هایی مبنی بر آمادگی طرف ایرانی برای مذاکره درباره غنی‌سازی ۲۰ درصد است. غربی‌ها به جای استقبال از این انعطاف، به سمت کم ارزش جلوه دادن این موضوع رفته و توقعات خود را به حوزه‌های دیگر برده‌اند! ادبیات هماهنگ نتانیاهو، لس‌آنجلس تایمز، واشنگتن پست و رادیو فردا در این باره جالب توجه است. نخست وزیر رژیم صهیونیستی ضمن سخنانی در کنست (پارلمان) گفت: ایران اکنون تمایل دارد غنی‌سازی ۲۰ درصدی خود را کنار بگذارد که دیگر مهم نیست اما در ازای آن خواستار کاهش تحریم‌هاست. ایران تمایل دارد امتیازات کمی بدهد اما امتیاز زیادی بگیرد؛ اگر به کل خواسته‌هایش هم نمی‌رسد. لغو تحریم‌ها اشتباهی تاریخی است؛ به خصوص که قبل از تحقق همه مطالبات لغو شوند. فشار بین‌المللی آن چیزی است که ایرانی‌ها را وادار به امتیازدهی می‌کند.

روزنامه لس‌آنجلس تایمز نیز در گزارشی نوشت: «ممکن است ایران تولید اورانیوم یا غنای ۲۰ درصد را متوقف کند و بیشتر ذخیره اورانیوم غنی‌شده‌اش را به خارج بفرستد. [با این حال] عده‌ای از مقامات غربی معتقدند توقف غنی سازی متوسط و حتی تعطیلی سایت فردو، دیگر به معنای امتیاز زیادی تلقی نمی‌شود؛ زیرا ایران پیشرفت‌های زیادی در نصب سانتریفیوژهای پیشرفته کرده است که می‌تواند اورانیوم با غنای ۳/۵ درصدی خود را به سرعت به میزان مورد نیاز برای ساخت بمب تبدیل کند. منتقدان به همین دلیل می‌گویند غنی‌سازی ۲۰ درصدی در حرکت ایران به سوی ساخت بمب از اهمیت کمتری برخوردار است. بعضی از دیپلمات‌ها و کارشناسان مستقل می‌گویند از این بابت هراس دارند که بیشترین امتیازی که ایران می‌خواهد بدهد کمتر از کف خواسته‌های غرب باشد.»!

روزنامه واشنگتن پست، نیز در مضمونی مشابه که نشان از هماهنگ شدن سناریوی جدید دارد، می‌نویسد: «هرگونه توافقی قبل از لغو تحریم‌ها باید مبتنی بر واقعیات جدید برنامه هسته‌ای ایران باشد. دولت اوباما لزوما نباید پاسخ «بله» ایران به پیشنهادهای داده شده را بپذیرد حتی اگر این پاسخ کامل و محض باشد. دلیل آن این است که ایران طی یک سال گذشته به طور مداوم زیرساختهای هسته‌ای خود را توسعه داده است. یک سال پیش انبار رو به رشد اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد ایران؛ خطرناک‌ترین جزء از زیرساختهای هسته‌ای ایران به شمار می‌رفت.»

این روزنامه مدعی شد: «اگر تهران حتی شش ماه قبل با متوقف یا تعطیل کردن این تاسیسات و خارج ساختن همه موادی که تا به حال در آن تولید شده است موافقت می‌کرد، دیگر خطر احساس نمی‌شد اما در عرض یک سال گذشته، ایران نسلی جدید از سانتریفیوژها را در بزرگترین تاسیسات غنی‌سازی‌اش در «نطنز» نصب کرده است.

این سانتریفیوژها می‌توانند اورانیوم را با سرعتی خیلی بیشتر فرآوری کنند.

به همین دلیل خطر آنها بسیار حساس‌تر از غنی‌سازی بالای خلوص ۲۰ درصد و ورود ایران به مرحله تولید سوخت بمب هسته‌ای است. نیروگاه آب سنگین اراک هم که قرار است تا سال آینده تکمیل شود ایران را قادر خواهد ساخت پلوتونیوم لازم را که در بمب بکار می‌رود، تولید کنند.!!

با این تفاصیل چندان که پیداست موضوع تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصدی تاسیسات فردو که پیش از این از نگاه غرب دور از دسترس به نظر می‌رسد به محض پذیرش طرف ایرانی مبنی بر اینکه می‌توان درباره آنها بحث کرد، بلافاصله کم‌ارزش جلوه داده شد و محافل غربی به پله بالاتر طلبکاری پریده‌اند!

رادیو فردا نیز در گزارش مشابهی مدعی شد: از خیر محموله ۲۰ درصدی و غنی‌سازی آن گذشتن قدم بزرگی نیست. نگرانی هم‌اکنون درباره ۲۰ درصد نیست، بلکه ابعاد آن و سانتریفیوژهای پیچیده و همچنین سرعت تولید اورانیوم حتی با غنای پنج درصد است(!)

با وجود همه این فضاسازی‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک، مقامات غربی خود بهتر از همه می‌دانند که دوره مذاکرات یک سویه ۱۰ سال قبل سپری شده و ایران حاضر نیست بدون مشخص شدن تصویر سرانجام مذاکرات، کمترین امتیازی بدهد. گزارش وبسایت سی‌ان‌ان در این زمینه حاکی است «به رغم روی کار آمدن دولت جدید در ایران که علاقه داشته بگوید موفقیت در مذاکرات به زودی محقق می‌شود، این احمقانه است که اگر توقع داشته باشیم بن‌بست ۱۰ ساله به سرعت حل شود. ایران امروز برخلاف سال ۲۰۰۳ که برای سرهم کردن ۱۶۴ سانتریفیوژ تقلا می‌کرد، امروز بیش از ۱۸ هزار دستگاه سانتریفیوژ دارد.

در آن زمان ایران یک سایت غنی‌سازی و یک نوع سانتریفیوژ داشت. ذخیره مواد اشتقاق‌پذیر نداشت و می‌خواست تنها تا ۵ درصد غنی‌سازی کند.

امروز دو سایت غنی‌سازی در اختیار دارد، چند نوع سانتریفیوژ پیشرفته و چندین تن مواد اشتقاق‌پذیر دارد. غنی‌سازی را در حد ۵ و ۲۰ درصد انجام می‌دهد و این پیشرفت‌ها با هزینه گزافی به دست آمده‌اند.

امروزه برخلاف ۱۰ سال قبل امتیازدهی‌های یکجانبه نباید روی دهد و رخ نخواهد داد.

سی‌ان‌ان تاکید کرد: با جاه‌طلبی نمی‌توان مذاکرات را پیش برد. در مرحله فعلی این شیوه که «اکنون امتیاز بدهید و بعدا پاداش بگیرید» موفقیت‌آمیز نخواهد بود. تردید در مورد توانایی روحانی، با این بدبینی در تهران همراه شده است که آمریکا به طور خاص آیا می‌تواند تعامل با تهران را محقق کند؟ یا «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا از توان سیاسی لازم برای لغو تحریم‌ها برخوردار است. برای موفقیت مذاکرات غرب می‌تواند به طرف ایرانی بگوید که تا چه میزان می‌تواند برنامه مسالمت‌آمیز هسته‌ای که شامل حق غنی‌سازی نیز هست، داشته باشد. با توافق در این زمینه می‌توان جزئیات فنی تدابیر اعتمادساز را تعیین کرد.

همچنین سایت آمریکایی المانیتور در تحلیل مشابهی نوشت: حسین موسویان از مذاکره‌کنندگان سابق ایرانی معتقد است پیشنهاد تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصد در ازای چشم‌پوشی غرب از تحریم‌های بیشتر، پیشنهاد بادام به ایران در مقابل مروارید است.

موسویان می‌گوید مهم این است که ابتدا بر سر وضعیت آخر توافق شود. اما من تردید دارم اوباما بتواند این کار را بکند. او در مقابل کنگره اختیار ندارد.

پشت پایی که شب مذاکره روحانی به ظریف زد!

اظهارات ناپخته دکتر روحانی یک روز پیش از آغاز مذاکرات ژنو انتقاد محافل رسانه‌ای را برانگیخت.

«دولت با یک خزانه خالی و انبوه بدهکاری روبه‌رو است». این جمله را رئیس‌جمهور در آستانه مذاکرات ژنو در دانشگاه تهران عنوان کرد. تعبیری که شبیه آن را در نیویورک در مقابل خبرنگاران آمریکایی عنوان کرده بود و گفته بود که اوضاع اقتصادی ایران بدتر از آن است که من تصور می‌کردم.

روزنامه رسالت با درج این مطلب نوشت: خالی کردن مشت کشور در شب مذاکره با ۱+۵ چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ بر اساس کدام یک از اصول مسلم تامین منافع ملی باید به طرف غربی تفهیم کرد که تحریم‌ها اثرگذار بوده است. مذاکره‌کنندگان با چه پشتوانه‌ای باید مذاکره کنند. چرا که به خیال خام خود ایران را با «زانوان خونین» پای میز مذاکره بکشانند پس چرا دولتمردان به جای تکیه بر اقتدار کشور مرتب دم از ضعف و مشکل می‌زنند؟

این تحلیل می‌افزاید: پیش از این وزیر محترم خارجه در آستانه سفر پای منافع ملی را به میان کشید و خواسته بود کسی قضاوت زودرس نکند اما آیا این طریق درستی برای تحصیل منافع ملی است؟ در کدام کتاب روابط بین‌الملل جناب ظریف و دوستانشان خوانده‌اند که شب مذاکره باید مشت خودتان را خالی کنید و خود را برخلاف واقعیت در موضع ضعف قرار دهید. مردم عادی هم در معاشرت‌های روزانه خود می‌دانند وقتی می‌خواهند جنسی را بخرند خود را زیاد طالب و خواهان نشان ندهند. وضعیت جیبشان را پیش هر کس و ناکس بازگو نکنند و...

در ادامه این نقد آمده است: هنوز چند سال از پخش تلویزیونی اعترافات هاله اسفندیاری، کیان تاجبخش و رامین جهانبگلو نمی‌گذرد که باز رئیس‌جمهور در اظهاراتی عجیب از دستگاه امنیتی و اطلاعاتی کشور می‌خواهد راه‌های دیپلماسی علمی را باز کند. تعجب از این موضع بیشتر از این روست که دیپلماسی علمی امروز در جریان است و کنترل‌های محدودی نیز که صورت می‌گیرد بخشی از آن به خاطر حفظ جان دانشمندان ایرانی و بخش دیگر به این خاطر است که اساتید و یا دانشجویان در کنفرانس‌های علمی در دام سرویس‌های جاسوسی دشمن نیفتند.

محرمانه برای کدام طرف؟!

ادعای محرمانه بودن مذاکرات ژنو، تعجب ناظران رسانه‌ای و سیاسی را برانگیخته است.

دکتر ظریف پس از آن که در فیس‌بوک نوشت «محرمانه بودن یکی از شرایط توفیق مذاکرات است» دیروز هم در کنفرانس خبری اعلام کرد: «ما جزئیات را منتشر می‌کنیم و جزئیات را در اتاق مذاکرات مطرح می‌کنیم». او درباره پروتکل الحاقی نیز همین مضمون را تکرار کرد.

کاترین اشتون نیز دیروز گفته که «ما توافق کردیم درباره جزئیات صحبت نکنیم»! این ادعا در حالی مطرح شده که طرف‌های غربی معمولا محتوای مذاکرات را برای فضاسازی بیشتر در رسانه‌ها درز می دهند ضمن اینکه قبل و بعد از مذاکرات به لابیگری با مقامات رژیم صهیونیستی می‌پردازند.

با این وجود و در حالی که معمولا صهیونیست‌ها و لابی ایپک و کنگره آمریکا و محافل مشابه در جریان جزئیات مذاکرات قرار می‌گیرند، از نگاه طرف ایرانی محرمانه تلقی کردن مذاکره چه مفهومی می‌تواند داشته باشد و نامحرم ماجرا جز افکار عمومی ایران و نمایندگان مجلس و رسانه‌های ایرانی چه کسانی دیگر می‌توانند باشند؟!

ضربه سخت هاشمی به جنازه اصلاح‌طلبی

«اظهارات هاشمی در تخطئه اقدام سایت خود لگدی بر جنازه اصلاح‌طلبی بود»!

سایت اینترنتی خودنویس وابسته به شماری از روزنامه‌نگاران زنجیره‌ای متواری با درج این مطلب، به واکنش دیرهنگام هاشمی به اقدام دست‌اندرکاران سایت شخصی‌اش پرداخت که ضمن آن گفته شده بود اقدام سایت در انتشار خاطره وی درباره پیشنهاد حذف شعار مرگ بر آمریکا به امام، بدون هماهنگی و نادرست بوده است.

خودنویس می‌نویسد: رویدادهای پس از سفر نیویورک، دوباره به ذهن آورد که شاید اصلاح‌طلبی مرده ولی خیلی‌ها امید داشتند که این تن زخمی شاید دوباره تکانی بخورد و نشانه‌ای از حیات به نمایش بگذارد.

اما خبرها برای جریان اصلاح‌طلبی نه تنها یادآور نفس‌های آخر بود بلکه برای اطمینان، لگدهایی هم به آن زده شد تا خلق‌الله را مطمئن کنند که این جسد مرده! اول صبح آقای هاشمی آمد. گفت که خاطره‌اش درباره مرگ بر آمریکا بدون هماهنگی منتشر شده. به عبارت دیگر اشتباه گفتم.

گفتنی است آخرین واکنش هاشمی، با سانسور و لاپوشانی در نشریات زنجیره‌ای منتشر شد چرا که این نشریات نیز در وسعت دادن به آن رفتار نادرست مشارکت داشتند.

گفت و شنود

مردم‌آزاری

گفت: یک هفته‌نامه آلمانی نوشته «مخالفان جمهوری اسلامی که به آمریکا و اروپا پناهنده شده‌اند در یک نقطه با هم اشتراک دارند.»

گفتم: کدام نقطه؟!

گفت: نوشته است «تقریباً همه آنها افراد بی‌سوادی هستند که برای کسب پناهندگی خودشان را اپوزیسیون معرفی کرده‌اند.»

گفتم: چه عجب حرف حساب زده؟! دیگه چی؟

گفت: